

بررسی رابطه تعارض زناشویی با نشانه‌های آسیب شناختی عاطفی و رفتاری کودک

مهدی آقا پور¹
علی نقی اقدسی²

چکیده

خانواده، تشکلی طبیعی است که الگوهای گوناگون ارتباطی و عملکردی را در گذر زمان به خدمت می‌گیرد. این الگوها ساخت خانواده را شکل می‌دهند و ضمن تعیین نقش اعضای خانواده، حیطه هر یک از اعضا را مشخص می‌کند و تبادل نظر میان اعضا را تسهیل می‌کند. برای این‌که وظایف اصلی خانواده بهتر صورت گیرد، خانواده باید دارای ساخت و عملکردی کارآمد و سالم باشد. هدف از اجرای این تحقیق بررسی رابطه بین تعارض زناشویی با نشانه‌های آسیب شناختی عاطفی و رفتاری کودک بود. برای انجام پژوهش حاضر یک گروه نمونه (213 نفر) از جامعه دانش آموزان دوره پنجم ابتدایی شهر تبریز شامل 120 دختر و 93 پسر، با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای نسبتی انتخاب شدند و مورد بررسی قرار گرفتند. مادران به پرسشنامه تعارض زناشویی و معلمان به پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات کودک پاسخ دادند. نتایج تحلیل رگرسیون نشانگر نقش پیش‌بینی‌کننده تعارض زناشویی در نشانه‌های عاطفی و رفتاری کودک بود. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان با برنامه‌های آموزش کاهش تعارض والدین، گام‌هایی در جهت کاهش نشانه‌های آسیب شناختی عاطفی و رفتاری کودک برداشت.

واژگان کلیدی: تعارض زناشویی، نشانه‌های عاطفی، نشانه‌های رفتاری

aghapourmehdi@yahoo.com

1- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، گروه مشاوره. اهر - ایران.

2- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم تربیتی. تبریز - ایران.

مقدمه

خانواده نخستین و بادوام ترین عاملی می‌باشد که در اکثر جوامع به عنوان عامل سازنده و زیر بنای شخصیت و رفتارهای بعدی کودک شناخته شده است. به اعتقاد برخی روانشناسان باید ریشه بسیاری از اختلالات شخصیت و بیماری‌های روانی را در پرورش اولیه خانواده جست و جو کرد. تحقیقات نشان داده‌اند که اختلالات کودکان (به خصوص اختلالات برونی‌سازی) ارتباط تنگاتنگی با مشکلات روانی والدین و شیوه‌های تربیتی آنان دارد (بیرامی، 1388).

اختلالات هیجانی - رفتاری به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، پاسخ‌های هیجانی و رفتاری در مدرسه با هنجارهای فرهنگی، سنی و قومی تفاوت داشته باشد. به طوری که بر عملکرد تحصیلی فرد، مراقبت از خود، روابط اجتماعی، سازگاری فردی، رفتار در کلاس و سازگاری در محیط کار نیز تأثیر منفی بگذارد. اختلالات هیجانی - رفتاری، شامل پاسخ‌های قابل قبول کودک یا نوجوان به عوامل تنش زای محیطی نمی‌شود. تاکنون طبقه بندی‌های مختلفی برای اختلالات رفتاری صورت گرفته است. برخی از پژوهشگران اختلالات رفتاری را به دو دسته بزرگ تقسیم کرده‌اند. اختلالات رفتاری درونی سازی¹ که شامل مواردی مانند اضطراب و افسردگی هستند که با دنیای بیرون سرو کار دارد و با تعارض‌های روانی - هیجانی همراه است و اختلالات برونی سازی² که شامل مواردی است که با مشکلات فرد با دیگران ارتباط دارد (غباری بناب و همکاران، 1388).

تعارض زناشویی یکی از مشکلاتی است که در تمام دنیا کودکان با آن مواجه‌اند و تقریباً همه کودکان با درجه‌ای از تعارض بین والدین مواجه می‌شوند و کودکان، خود را به عنوان عامل استرس معرفی می‌کنند (کاتز³ و گاتمن⁴، 1997؛ گامینگز⁵، کوروس⁶ و پاپ⁷، 2007؛ قره باغی، 1389). اثرات تعارض زناشویی بر بیشتر حوزه‌ها از جمله عملکرد شناختی، اجتماعی، تحصیلی و روان شناختی کودک (برای مثال، البیس⁸ و گاربر⁹، 2000) و رابطه با همسالان (برای مثال، دان¹⁰ و دیویس¹¹، 2001)، همچنین بر عملکرد خانواده از قبیل فرزند پروری (برای مثال، کاکس¹²، پالی¹³ و هارتر¹، 2001) مورد توجه قرار گرفته است.

-
- 1- Internalizing problems
 - 2- Externalizing
 - 3- Katz
 - 4- Gattman
 - 5- Cummings
 - 6- Kouros
 - 7- Papp
 - 8- Ellis
 - 9- Garber
 - 10- Dunn
 - 11- Davies
 - 12- Cox
 - 13- Paley

برونفن برنر² (1995) در نظریه نظام‌های بوم‌شناختی³ خود عنوان می‌کند که رشد کودک تحت تأثیر چندین لایه از محیط قرار دارد و تغییرات یا تعارضات در هر لایه می‌تواند به لایه‌های دیگر منتقل شود. در این الگو، خانواده پر دوام‌ترین، اثر گذارترین و نزدیک‌ترین لایه از محیط است که بر تمام جنبه‌های رشد کودک تأثیر می‌گذارد. قره باغی (1389) در تحقیقی به بررسی رابطه بین تعارض زناشویی و ارتباط والد - کودک با نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران شامل 220 دختر و 193 پسر پرداخت. نتایج پژوهش آنان نشان دهنده نقش پیش‌بینی‌کنندگی تعارض زناشویی برای کاهش کیفیت رابطه والدین با فرزندان بود و در ضمن آنان نشان دادند، تعارض زناشویی و رابطه والدین با کودک در پیش‌بینی مشکلات آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک نقش دارد.

شواهد پژوهشی در مورد تعارضات زناشویی نشان دهنده این است که بروز اختلالات روانی مختلف، مشکلات رفتاری فرزندان و حتی مشکلات جسمانی زوجین می‌تواند از پیامدهای تعارضات زناشویی باشد (ویگل، بالارد، دبور، 1999؛ ناصحی، رئیس، جعفری، رحمانی، 2005). کجباف، آقایی، کاویانی (1383) در تحقیقی به بررسی رابطه بین میزان رضایت زناشویی والدین با اختلالات رفتاری دختران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین رضایت زناشویی و اختلالات رفتاری دختران رابطه وجود دارد. همچنین بین تفاهم در فرزند پروری و اختلالات رفتاری رابطه معنادار وجود دارد. تهرانی دوست، شهرپور، محمودی قرائی، علاقیند راد (1387) در تحقیقی به بررسی تأثیر آموزش سازنده فرزندان به والدین در کاهش مشکلات رفتاری کودکان پرداختند. نتایج نشان داد که پس از دوره آموزشی نمره کلی مقیاس توانایی‌ها و مشکلات تغییر معناداری داشت.

بنابراین یکی از فرایندهای غیرمستقیم تأثیر تعارض، اختلال یا فروپاشی در روابط خانواده است. وقتی نظام خانواده عملکرد سالم‌داشته باشد، اعضای خانواده یک گروه منسجم و یک‌پارچه را می‌سازند (مینوچین، 1974). شیوع 6 تا 10 درصدی این اختلالات در بین کودکان سنین مدرسه در کشورهای مختلف (هالاها و کافمن، 2003) و مرتبط بودن موضوعاتی مانند ارتکاب جرائم (مانوزا و کلین، 1999؛ نقل از صابری، 1387) و مزمن و پایدار شدن آن‌ها از دلایل انجام پژوهش حاضر می‌باشد. این مطالعه به دنبال بررسی و پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا تعارض زناشویی با نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک رابطه دارد؟

1- Harter

2- Bronfenbrenner

3- Ecological Systems Theory

روش اجرا

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر دانش آموزان دختر و پسر 12 ساله (دوره پنجم ابتدایی) شهرستان تبریز و والدین آن‌ها بود. نمونه‌ای آماری تحقیق حاضر به حجم 213 نفر به روش تصادفی چند مرحله‌ای نسبتی به دلیل گستردگی جامعه بر اساس جدول مورگان انتخاب شد.

ابزار گردآوری اطلاعات

1- پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات¹ (SDQ): این پرسشنامه را گودمن (1997) برای سنجش و غربالگری اختلالات روانپزشکی کودکان در جامعه کودکان 4-16 ساله انگلیسی طراحی کرد که توسط معلمان، والدین و خود کودکان قابل استفاده است. این مقیاس توانسته است بیش از 0/70 از کودکان دچار اختلالات سلوکی، بیش‌فعالی و اختلالات افسردگی را تشخیص دهد (گودمن²، فورد³، سیمونز⁴، گاتوارد⁵، 2000). از لحاظ اعتبار تشخیصی همبستگی خوبی با DSM-IV و ICD-10 دارد (گودمن، 1997). در ایران این مقیاس توسط وفایی و روشن (1385) روایی و اعتبار یابی شده است. آلفای کرونباخ پرسشنامه مذکور برابر با 0/84 گزارش شده است. همچنین در تحقیق قره باغی (1389) ضریب آلفای کرونباخ برای نشانه‌های رفتاری (شامل مقیاس‌های بیش‌فعالی، اختلال سلوکی، مشکلات با همسالان) 0/73 و برای نشانه‌های عاطفی (شامل نشانه‌های افسردگی و اضطراب) 0/62 دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس کل 0/77 گزارش شده است (قره باغی، 1389).

پرسشنامه تعارضات زناشویی (فرم تجدید نظر شده): این پرسشنامه یک ابزار 54 سؤالی است که برای سنجش تعارض‌های زن و شوهری توسط ثنایی ذاکر، براتی و بوستانی پور (1386) ساخته شده است. این پرسشنامه هشت بعد از تعارضات زناشویی را میسنجد که شامل کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خانواده همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر است. ضریب آلفای کرونباخ توسط ثنایی ذاکر، براتی و بوستانی برای کل پرسشنامه 0/71، گزارش شده است. ثنایی و همکاران (1387) روایی پرسشنامه را در حد قابل قبول ذکر کرده‌اند.

1- Strengths and Difficulties Questionnaire

2- Goodman

3- Ford

4- Simmons

5- Gatward

داده‌های به دست آمده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، درصد، ضریب همبستگی پیرسون و روش‌های آمار استنباطی مانند روش تجزیه و تحلیل رگرسیون تحلیل شد.

یافته‌ها

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول 1 میانگین نمرات رضایت زناشویی برابر 150/76 با انحراف استاندارد 17/65 است. همچنین نتایج نشان دهنده این است که بین تعارض زناشویی با نشانه‌های عاطفی، نشانه‌های رفتاری و نشانه‌های آسیب‌شناختی کل رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

جدول 1: ماتریس همبستگی و توصیف آماری متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	1	2	3	4
تعارض زناشویی	150/76	17/65	1			
نشانه‌های عاطفی	2/76	2/34	**0/51	1		
نشانه‌های رفتاری	6/7	4/54	**0/37	**0/53	1	
نشانه‌های آسیب‌شناختی	12/43	3/39	**0/58	**0/45	**0/47	1

P<0/01 ** P<0/05 *

در جدول 2 نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی متغیرهای نشانه‌های عاطفی، رفتاری و نشانه‌های آسیب‌شناختی نشان دهنده این است که تعارض زناشویی قادر به پیش بینی 26 درصد از واریانس نشانه‌های عاطفی و 14 درصد از نشانه‌های رفتاری و 34 درصد از واریانس نشانه‌های آسیب‌شناختی است.

جدول 2: نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی نشانه‌های عاطفی، رفتاری و

آسیب‌شناختی بر اساس تعارض زناشویی

متغیر	F	R	مجذور R	β	t
نشانه‌های عاطفی	12/34	0/51	0/26	0/51	**3/45
نشانه‌های رفتاری	15/65	0/37	0/14	0/37	**3/25
نشانه‌های آسیب‌شناختی	45/87	0/58	0/34	0/58	**8/65

N=213 **P<0/01

متغیر ملاک: تعارضات زناشویی

بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه تحقیق حاضر نقش تعارض زناشویی را در پیش بینی نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک مورد تأیید قرار داد. به عقیده برونفن برنر (1995)، تعاملات رفتاری بین زوجین یکی از ابزارهای مهمی است که از آن طریق محیط بلاواسطه، رشد روانی کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به طوری که تعارض والدین می‌تواند به آسیب دیدن روابط خانواده و رفتارهای فرزند پروری والدین منجر شود. بر اساس نظریه خانواده پویایی براون¹ (1978) وقتی عملکرد ضعیف در روابط زناشویی وجود داشته باشد این اختلاف روی رفتار کودک تأثیر گذاشته، انعکاس عملکرد بد والدین را کودک به صورت نشانه‌های آسیب‌شناختی نشان می‌دهد (درتاج و محمدی، 1389). محققان نشان داده‌اند کودکانی که در خانواده‌هایی با تعارض بالا زندگی می‌کنند، در خطر مشکل سازگاری بالا قرار دارند و تعارض بین والدین با مشکلات رفتاری کودکان و سلامت کودکان مرتبط است. دیویس و همکاران (2009) نیز در بررسی دیگری نشان دادند که تعارض زناشویی به عنوان یک عامل استرس زا می‌تواند پیش بینی کننده افزایش نشانه‌های عاطفی و رفتاری کودک باشد. کریج (2000) و هم‌چنین مک دونالد و همکاران (2006) در بررسی‌های خود نشان دادند که تعارض زناشویی پیش‌بینی‌کننده مشکلات افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و بزهکاری در کودکان است. برخی محققان معتقدند که تعارض زناشویی به عنوان یک عامل استرس زا، بر جنبه‌های مختلف سلامت و عملکرد کودکان اثر منفی دارد. کامینگز و دیویس (2003) معتقدند که تعارض زناشویی به عنوان یک عامل استرس زا سازگاری روانی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. راتر و همکاران (1997) در مبحث آسیب‌شناسی تحولی، از تعارض زناشویی به عنوان یکی از عواملی یاد می‌کنند که می‌تواند زمینه ساز رشد و افزایش اختلالات عاطفی و رفتاری در کودکان شود (به نقل از درتاج و محمدی، 1389).

پیشنهادات

بر اساس نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد شود به منظور پیشگیری از آسیب‌های عاطفی و رفتار کودکان، ضمن کمک به جوانان در انجام ازدواج‌های سازنده والدین برای رفع و حل تعارضات به مشاوره‌های پیش از ازدواج، پس از ازدواج و حین ازدواج بپردازند. ضمناً رسانه‌ها و سایر سازمان‌های تأثیرگذار با ارائه آموزش‌های لازم خانواده‌ها را در زندگی سالم و به‌دور از اختلافات و تنش‌یاری رسانند.

1- Brown

منابع

- بیرامی، م. (1388). تاثیر آموزش مهارت های فرزند پروری به مادران پسران دبستانی مبتلا به اختلالات برونی سازی شده بر سلامت روانی و شیوه های تربیتی آن‌ها. مجله اصول بهداشت روانی، سال یازدهم، 105-114.
- تهرانی دوست، م و همکاران. (1387). تاثیر آموزش تربیت سازنده فرزندان به والدین در کاهش مشکلات رفتاری کودکان. مجله روانپزشکی و روانشناسی ایران، سال چهاردهم، شماره 4. 379-371.
- ثنایی ذاکر، ب. (1387). مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- درتاج، ف و همکار. (1389). مقایسه عملکرد خانواده مبتلا به اختلال کمبود توجه / بیش فعالی با عملکرد خانواده کودکان بدون اختلال کمبود توجه / بیش فعالی. فصلنامه خانواده پژوهی. 6 (2). 226-211.
- صابری، هایده. (1387). همه گیر شناسی اختلالات عاطفی و رفتاری در کودکان مقطع ابتدایی. اندیشه و رفتار، 2 (8): 19-34.
- غباری بناب، ب و همکاران. (1388). میزان شیوع مشکلات رفتاری دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال نهم، شماره 3. 238-223.
- قره باغی، فاطمه. (1389). نقش تعارض زناشویی و رابطه والدین با کودک در نشانه های آسیب شناختی عاطفی و رفتاری کودک. فصلنامه پژوهش های روان شناختی، دوره 13، شماره 1. 108-89.
- کجباف، م و همکاران. (1383). بررسی رابطه بین میزان رضایت زناشویی والدین با اختلالات رفتاری دختران. مطالعات زنان. سال دوم، شماره 4.
- مینوچین، سالوادرو، و فیلمن، اچ چارلز. (1384). فنون خانواده درمانی. ترجمه: فرشاد بهاری و فرح سیا. تهران: رشد.
- وفایی، م و همکار. (1385). بررسی رابطه عوامل پیش بینی کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی ها و اختلال های عاطفی - رفتاری نوجوانان. روانشناسی معاصر، 1، 17-4.

هالاهان، دانیل و کافمن، جیمز. (1390). **کودکان استثنایی: مقدمه ای بر آموزش های ویژه**. ترجمه: مجتبی جوادیان. تهران: انتشارات به نشر.

- Bronfenbrenner, U. (1995). **The bio ecological model from a life course perspective: Relation of the participant observer**. In P. Moen, G. H. Elder, Jr & K. Luscher (Eds), *Examining lives in context* (pp.559-618). Washington, DC: American Psychological Association.
- Cox, M. J., Paley, B., Harter, K. (2001). **Inter parental conflict and parent child relationship**. In J. Grych & F. Fincham (Eds), *child development and Inter parental conflict* (pp.249-272). New York: Cambridge University press.
- Cummings, E.M. Kouros, C.D. & Papp, F.L. (2007). **Stress and Coping**. *Encyclopedia of Infant and Early Childhood Development*, 267-281.
- Davies, K.A., Macfarlane, G.J., McBeth, J. R., Morriss, C. Dickens. (2009). **Insecure attachment style is associated with chronic widespread pain**. *PAIN*, 143(3), 200-205.
- Dunn, J.F. & Davies, G.K. (2001). **Social Cognition in Childhood**. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 14245-14250.
- Ellis, B. J., Garber, J. (2000). Psychological antecedents of variation in girl's pubertal timing: maternal depression, stepfather presence, and marital and family stress. *Child Development*, 72, 1617-1636.
- Goodman, R. (1997). **The strengths and difficulties questionnaire: A research note**. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 38, 581-586.
- Goodman, R., Ford, T., Simmons, H., Gatward, R. (2000). **Using the strengths and difficulties questionnaire (SDQ) to screen for child psychiatric disorders in a community sample**. *British Journal of psychiatry*, 177, 543-539.
- Katz, L. F., Gottman, J. M. (1997). **Buffering children from marital conflict and dissolution**. *Journal of clinical Child Psychology*, 26, 157-171.
- Kerig, P. (2000). **Triangles in the family circle: Effects of family structure on marriage, parenting, and child adjustment**. *Journal of Family Psychology*, 9, 28-43.
- McDonald, Anne. Culp, Rex E. Noland, Deena. Anderson, Julius W. (2006). **Stress, marital satisfaction, and child care provision by mothers of adolescent mothers: Considerations to make when providing services**. *Children and Youth Services Review*, 28(6), 673-681.
- Minuchin, S. (1974). **Families and family therapy**. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Nasehi, A. A., Raeesi, F., Jafari, M., Rahimani, M. (2005). **The level of marital adjustment in dormitory students**. *Journal of Andishe va Rafter* ; 37-38(10), 116-121.

Wiegel, D.J., Ballard, R., Deborah, S. (1999). **How couples maintain marriages**. Journal of Family Relationship. 48(3), 263-270.

Levendosky, A. A., Graham-Bermann, S. A. (2001). **Parenting in Battered women: The effects of domestic violence on women and their children**. Journal of Interpersonal Violence, 16, 171-192.